خبر ویژه

برنامه «کلاکت» را از دست ندهید

حوزه فرهنگ و هنر، جزو اولویت‌های روزنامه جام‌جم است و اختصاص صفحات ویژه روزانه در این عرصه، نشانه‌ای از این اهمیت به حساب می‌آید. میان شاخه‌های مختلف فرهنگی و هنری، سینما اهمیتی ویژه دارد و به دلیل جذابیت‌های ذاتی خود این مدیوم محبوب و تاثیرگذار و فراوانی اخبار و رویدادها و چهره‌های آن، خوانندگان پرشماری هم پیگیر آن هستند. یک صفحه ثابت سینمایی به‌صورت روزانه، همچنین اختصاص صفحه هفتگی درباره سینمای مستند و فیلم کوتاه، بیانگر اهمیت دادن به مخاطبان سینمایی روزنامه جام‌جم است اما به دلیل اقتضائات زمانه و اعتنای بیشتر به نظر، علایق و سلایق مخاطبان خوب روزنامه جام‌جم تصمیم گرفتیم در بحث مدیا و بحث چندرسانه‌ای هم تولید محتوای جذابی داشته باشیم. برنامه و مجله تصویری «کلاکت» تازه‌ترین اقدام اجرایی در این زمینه است که به‌صورت هفتگی منتشر می‌شود و ضمن پوشش اخبار سینما و تلویزیون کشورمان، بخش‌های مختلف و جذابی را برای علاقه‌مندان به سینما و هنرهای نمایشی تدارک می‌بیند. بررسی سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، مروری بر فیلم‌های تازه اکران از جمله طبقه یک و نیم، بیرو و لوپتو، اخباری درباره سریال آزادی مشروط ساخته مسعود ده‌نمکی و خبری درباره ساخت سریالی در شبکه نسیم با حضور جواد رضویان و سیامک انصاری، از جمله بخش‌های اولین قسمت برنامه کلاکت

درنگ

روایت مانی حقیقی از چالش با اصغر فرهادی

از چهارشنبه‌سوری تا گذشته

مانی حقیقی، کارگردان ایرانی هم از جمله افرادی است که ادعاهای متعددی در گزارش نیویورکر درباره فرهادی مطرح کرده است، او به ریچل اویو گفته است: پس از فیلم «شهر زیبا» فرهادی را به خانه‌ام دعوت کردم. پس از رفتن سایر مهمانان، فرهادی ایده‌ای را برای فیلمی جدید به اشتراک گذاشت، درباره مادری از طبقه متوسط که به داشتن رابطه نامشروع همسرش مشکوک است. حقیقی چند پیشنهاد ساختاری ارائه کرد. ما هشت ماه روی آن کار کردیم تا این‌که فیلمنامه تمام شد.

فیلم «چهارشنبه‌سوری» سال ۱۳۸۵ به نمایش درآمد و سه جایزه از جشنواره جهانی فیلم فجر در تهران دریافت کرد. فرهادی کارگردانی آن را به‌عهده داشت و او و حقیقی نویسندگی آن فیلم را به‌عهده داشتند. پس از چهارشنبه‌سوری، فرهادی با ایده جدیدی سراغ حقیقی آمد: گروهی از دوستان طبقه متوسط به تعطیلات کنار دریا می‌روند و یکی از آنها که زنی مرموز است، ناپدید می‌شود. حقیقی به فرهادی پیشنهاد داد که فیلم را با هم بنویسند و حقیقی کارگردانی آن را به‌عهده بگیرد. حقیقی گفت که آنها این ایده را طی دو ماه توسعه دادند و تقریبا هر روز برای صحبت و نوشتن جلسه داشتند. (البته فرهادی به یاد می‌آورد که فقط یک یا دو روز درباره این ایده بحث کرده‌اند.) در این روند، ناپدید شدن زن ـ و تلاش‌های دیوانه‌وار همراهانش برای یافتن آن ـ به تصویری جذاب از فرهنگی تبدیل شد که در آن گفتن حقیقت همیشه گزینه مناسبی نیست. حقیقی گفت: «فکر می‌کنم اصغر متوجه شد که این فیلم خیلی خوبی است.» حقیقی در نهایت در فیلم «درباره الی» بازی کرد اما به عنوان نویسنده شناخته نشد.

سال‌ها بعد فرهادی دوباره به مانی حقیقی گفت که فیلمی به نام «گذشته» نوشته است و فیلمنامه را خلاصه کرد. حقیقی غافلگیر شد: داستان دراماتیزه‌کردن اپیزودی از زندگی خودش بود. سال‌ها قبل، او به انتاریو رفته بود تا طلاق خود را از زنی که در زمان تحصیل در خارج از کشور ملاقات کرده بود، نهایی کند، در بازگشت به ایران، او اتفاقی را که رخ داده بود با فرهادی در میان گذاشته بود: «من ماجرا را با جزئیات گفتم. نه به عنوان یک روایت، بلکه به عنوان این که «باورم نمی‌شود چه اتفاقی برایم افتاده است». حقیقی می‌گوید: «عجیب است که یک نفر به داستان زندگی شما گوش کند و برود و فیلمنامه‌ای درباره آن بنویسد و نحوه‌ای که به شما می‌گوید این است که «دوست داری در این فیلم بازی کنی؟» «این نوعی راه دوربرگردان برای برقراری ارتباط است اما برای من توهین‌آمیز نبود.

مثل این بود که اصغر مرد بسیار عجیبی است، بسیار بی‌دست و پا، بسیار تدافعی و از سبک خود محافظت می‌کند.» حقیقی شش ماه در کلاس‌های زبان فرانسه شرکت کرد تا برای این نقش آماده شود اما فرهادی تصمیم گرفت شخص دیگری را انتخاب کند. وقتی «گذشته» منتشر شد و فرهادی با خبرنگاران مصاحبه کرد، گفت که از حکایت یکی از دوستانش الهام گرفته است اما از حقیقی نامی نبرد.

حقیقی درباره فرهادی می‌گوید: «من او را درک نمی‌کنم. او مراگیج می‌کند. او مرا در مورد خیلی چیزها ناراحت می‌کند.» حقیقی اهمیتی نمی‌داد که نامش به داستان ضمیمه شده باشد اما برایش جالب بود که فرهادی آن را نمی‌گفت. این ماجرا حقیقی و فرهادی را از هم دور کرد.

یک حسابرسی از اصغر فرهادی
چهره بین‌المللی سینمای ایران

ایده‌رُبا!

رضا سجادیان
مترجم

حواشی فیلم «قهرمان» که مدت‌هاست به یکی از حاشیه‌هایی مهم سینمای دنیا بدل شده، به‌نظر می‌رسید پس از اکران جهانی این فیلم و مراسم جوایز اسکار به پایان برسد اما شواهد نشان می‌دهد این مسأله به‌عنوان یکی از موضوعات داغ سینمایی همچنان ادامه دارد. به‌تازگی یک گزارش تحقیقی ـ تفصیلی در حدود ۳۰ صفحه در مجله نیویورکر به پرونده آثار اصغر فرهادی و اقتباس‌هایی که داشته، پرداخته و حالا فیلمسازی اصغر فرهادی را وارد حواشی بیشتری کرده است. گزارش مفصل این مجله با چالش شباهت فیلمنامه قهرمان اصغر فرهادی با مستند «دوسر برد دوسر باخت» آزاده مسیح‌زاده، آغاز شده اما در ادامه به سایر آثار این هنرمند هم ورود کرده که مجله نیویورکر از آن با تیتر «یک حسابرسی» یاد کرده است. ریچل اویو، نویسنده این مجله در گزارش تحقیقی خود به بررسی تمام فیلم‌های فرهادی پرداخته و ادعاهای افراد دیگری غیر از آزاده مسیح‌زاده درباره برخی آثار دیگر فرهادی را نیز مورد تحقیق و تفحص قرار داده است. موضوع فیلم قهرمان بعد از شکایت آزاده مسیح‌زاده، شاگرد کلاس مستندسازی اصغر فرهادی، هنوز به نتیجه نهایی دادگاه نرسیده و حالا این گزارش تحقیقی می‌تواند برای صادره نیز تاثیرگذار باشد.

ماجرای قهرمان

در این گزارش پس از معرفی آزاده مسیح‌زاده و علاقه‌مندی‌اش به سینما به نحوه حضور در کارگاه آموزشی اصغر فرهادی اشاره شده است. مسیح‌زاده یکی از ۱۸ دانشجوی پذیرفته‌شده در این کارگاه بود که هزینه‌ای حدود ۱۴۰۰ دلار پرداخته بود؛ گران‌ترین کلاسی که موسسه کارنامه تا به‌حال برگزار کرده است. فرهادی صحبت‌هایش را درباره افرادی آغاز کرد که پس از این که پول یا شیء باارزشی را پیدا می‌کنند، دنبال صاحب اصلی آن می‌گردند که آن را بازپس دهند. آنها به‌دلیل این کارشان به‌عنوان قهرمان تجلیل می‌شوند. او کلاس را به گروه‌های کوچک تقسیم کرد و به هر گروه دستور داد تا در مورد یکی از داستان‌ها صحبت کنند. او گفت می‌خواهد بررسی کند که چگونه یک شخص به مقام قهرمانی دست می‌یابد؛ موضوعی که از دوران دانشگاه به آن فکر می‌کرد. رولا شمس، دانش‌آموزی که هر جلسه کارگاه را فیلمبرداری می‌کرد، می‌گوید: بین گروه‌ها رقابت وجود داشت. فرهادی قصد انتخاب شخص یا اشخاصی را داشت که با او همکاری کنند. مسیح‌زاده از فرهادی اجازه گرفت که به تنهایی کار کرده و داستان خودش را پیدا کند. برای پایین نگه‌داشتن هزینه‌هایش، در شیراز به‌دنبال ایده می‌گشت. در یکی از جلسات، مسیح‌زاده درباره ایده خود با فرهادی صحبت می‌کند. فرهادی، لبخندزنان و با صدایی آرام به او می‌گوید که با مسئولان زندان هماهنگ می‌کنم که تو به شیراز بروی. سه ماه پس از این ماجرا، مسیح‌زاده بخشی از مستند خود را آماده کرد و به کلاس نشان داد. فرهادی در کلاس از او تعریف و تمجید کرد اما از بقیه افراد رضایت نداشت.

در ادامه این گزارش به بار دومی که مسیح‌زاده به کارگاه فیلمنامه‌نویسی فرهادی مراجعه می‌کند، اشاره دارد: «در سال ۲۰۱۹ به تهران نقل‌مکان و یک شرکت پخش فیلم کوتاه تاسیس کردم. او وقتی فهمید فرهادی در مؤسسه بامداد کارگاهی برگزار می‌کند، تصمیم گرفت که ثبت‌نام کند، زیرا کلاس روی فیلمنامه‌نویسی متمرکز بود. فرهادی در روز اول کارگاه از هنرجویان خواست تا خود را معرفی کنند. محمدرضا شیروان، دانشجویی که کنار مسیح‌زاده نشسته بود، به من گفت: «فرهادی با دیدن او مکث کرد.» شیروان در ادامه خود را معرفی کرد اما او گفت: «در تمام مدت متوجه شدم که آقای فرهادی واقعا به حرف من توجهی نمی‌کند و او به سمت آزاده رفت و از او پرسید، از شیراز اومدی؟»

مسیح‌زاده: حتی اگر یک تشکر از من می‌شد دیگر هیچ ادعایی نداشتم اما چیزی نبود

سلامت کامل جسمی و روحی و با رضایت کامل اعلام می‌دارد که فیلم مستند «همه برنده‌ها همه بازنده‌ها» که بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ تولید شده است، براساس آثار آقای اصغر فرهادی ساخته شده است؛ پیشنهاد و ایده‌ای که متعلق به آقای فرهادی است. شفیعی برگه جدیدی به او داد و به او گفت که بیانیه را بازنویسی کرده و جاهای خالی را پر و سپس امضا کند. مسیح‌زاده لحظه‌ای احساس کرد که نمی‌تواند نفس بکشد: «دستم را بلند کردم و گفتم، آقای فرهادی، شاید بتوانیم در این مورد صحبت کنیم؟» گفت: «خب فعلا امضا کن و کد ملی خودتو بنویس.» از او پرسید: «آقای فرهادی، یک قهرمان به مستند من مربوط است؟» او در یکی از آخرین کلاس‌ها، در مرداد ۱۳۹۸، فریده شفیعی، یکی از مدیران مؤسسه به مسیح‌زاده گفت که فرهادی می‌خواهد با او در دفتر اصلی مؤسسه، یک اتاق باز با بالکن مشرف به شهر، ملاقات کند. همسر فرهادی، پریسا بخت‌آور، کارگردان هم در اتاق بود. فرهادی، مسیح‌زاده را دعوت کرد تا پشت میز بنشیند و سپس به او گفت که در حال ساخت فیلم جدیدی به نام یک قهرمان است که در شیراز می‌گذرد. به گفته مسیح‌زاده، فرهادی از لهجه شیرازی‌اش تعریف کرد و از او پرسید آیا می‌خواهد در فیلم او بازی کند؟ مسیح‌زاده گفت: از او پرسیدم، من؟ بازیگر زن؟ او گفت که استعداد بازیگری ندارد. او و فرهادی درباره شناختش از شهر صحبت کردند و سپس به گفته او، شفیعی یک کاغذ تایپ‌شده روی میز گذاشت. مسیح‌زاده تصور کرد که این برگه قرارداد است اما دید که روی آن نوشته شده: من ـــ، دختر ـــ، دارنده مدرک ملی. شماره ـــ ساکن ـــ، بدین‌وسیله با

گفت: مدام تکرار می‌کرد که این فقط یک کاغذ ساده بین ماست. مسیح‌زاده شروع به نوشتن آن برگه کرد اما دستش می‌لرزید و مدام اشتباه می‌کرد. وقتی تمام شد به او گفتند که: «لطفا برو. آقای فرهادی خیلی خسته است.» (فرهادی و شفیعی با این روایت مسیح‌زاده از این دیدار مخالفت می‌کنند. فرهادی به من گفت که چون شایعات زیادی در دنیای سینمای ایران وجود دارد، می‌خواهد مدرکی داشته باشد تا سوءتفاهم پیش نیاید. صبح روز بعد مسیح‌زاده به مؤسسه کارنامه رفت تا ماجرا را به اسکندرفر، بگوید. اسکندرفر به ریچل اویو گفت: «انگار ضربه روحی به او وارد شده بود. «دست‌هایش می‌لرزید.» اسکندرفر افزود: به ذهنم خطور کرد که فرهادی بخواهد از مستند او استفاده کند. هفته بعد مسیح‌زاده قبل از کلاس به موسسه بامداد آمد. گفت: «آقای فرهادی، می‌خواهم به شما بگویم که ایده و طرح مستند مال من است.» او پاسخ داد: «خب» و من از او پرسیدم «پس موافقی؟» گفت: «باشه» طبق روایت مسیح‌زاده که فرهادی می‌گوید دروغ است، او پرسید که آیا می‌توانند بیانیه‌ای را که امضا کرده است اصلاح کنند اما در جواب به او گفت که این می‌تواند یک درس باشد و این‌که یک روز از او تشکر خواهد کرد: «دفعه بعد که کسی کاغذی را جلوی او گذاشت تا امضا کند، برای جلوگیری از استرس باید وکیل بگیرد.»

۱۰ ماه بعد یک قهرمان، اولین نمایش جهانی خود را در جشنواره فیلم کن داشت. مسیح‌زاده از دوستانی که در کن حضور داشتند، خواست پس از تماشای فیلم با او تماس بگیرند. خبر دادند که درباره یک زندانی در شیراز به نام رحیم است. وقتی رحیم از زندان به مرخصی می‌رود، جایی که به خاطر بدهی زندانی شده است، دوست دخترش مقادیری طلا را که در خیابان پیدا کرده به او می‌دهد و او آن را به صاحبش پس می‌دهد. چند سطر در یک قهرمان، تقریبا مشابه سخنانی است که موضوع مستند مسیح‌زاده است.

مسیح‌زاده از دوستانش خواست به تیتراژ فیلم یک قهرمان دقت کنند. او گفت: حتی اگر از یک تشکر از من می‌شد، دیگر هیچ ادعایی نداشتم اما چیزی نبود.

«رقص در غبار» اولین فیلم فرهادی

فرهادی چند سال برای صدا و سیمای ایران نوشت و در اوایل ۳۰ سالگی کار روی اولین فیلم بلندش را آغاز کرد. عباس جهانگیریان، نویسنده و نمایشنامه‌نویس با بیان این‌که در دیدار با فرهادی از داستانی که در دست نگارش داشت به او گفت: جوان عاشقی که به‌عنوان شاگرد مارگیر مشغول کار است، توسط مار سمی انگشتش گزیده می‌شود. آنها تصمیم گرفتند روی یک نسخه سینمایی کار کنند که جهانگیریان شروع به تحقیق کرد. جهانگیریان قبل از شروع فیلمنامه منتظر قرارداد بود اما دیگر خبری از فرهادی نشد. جهانگیریان، سال ۱۳۸۲ به‌عنوان داور در یک جشنواره فیلم ایرانی حضور داشت که اولین فیلم بلند فرهادی با نام «رقص در غبار» در آن نمایش داده شد. او می‌گوید: «دیدم که این همان داستان با کمی تغییر و بدون نام من است» او با یک روزنامه مصاحبه کرد و گفت متحیر است. پس از آن فرهادی از جهانگیریان عذرخواهی کرد و نام او را به نسخه‌ای از فیلم که از تلویزیون پخش شد، اضافه کرد. (فرهادی گفت داستان را از یکی از دوستان نویسنده‌اش شنیده و منبع اصلی آن را نمی‌داند.) جهانگیریان نوشت، به‌رغم این‌که هرگز پولی برای فیلم دریافت نکردم اما اعتراضی نداشتم و نخواهم داشت.

«جدایی» و بازهم شاگردان معترض

«جدایی نادر از سیمین» اولین فیلم ایرانی بود که برنده اسکار شد. فرهادی به ریچل اویو گفت جدایی با خاطره‌ای که یکی از برادرانش تعریف کرده بود از گریه کردن پدربزرگ بیمارشان شروع شد. فرهادی با توضیح بیشتر تصویر، داستانی پیچیده درباره مردی نوشت که تعهد به مراقبت از پدر بیمارش منجر به انحلال ازدواجش می‌شود. این فیلم تغییر دیگری از آنچه برای فرهادی به موضوع اصلی تبدیل شده بود، ارائه می‌کرد. «بر اساس کدام ترازو و معیاری می‌توانم رفتاری را اخلاقی و دیگری را غیراخلاقی تشخیص دهم؟». این بزرگ‌ترین سؤال زندگی من است. پس از نمایش جدایی نادر از سیمین در ایران، مصطفی پورمحمدی ـ کسی که در سال ۲۰۰۹ با فرهادی به یک کارگاه فیلمنامه‌نویسی رفته بود. گفت برخی از همکلاسی‌های سابقش با او تماس گرفتند و گفتند به نظر می‌رسد این فیلم از یک فیلم کوتاه گرفته شده که او در کلاس فرهادی ساخته است. فیلم پورمحمدی درباره یک کارگر خانگی در یک خانه متوسط بود که می‌کوشد شغلش را از شوهرش پنهان کند، زیرا می‌داند این کار باعث هتک ناموس او می‌شود. در پایان، راز او فاش می‌شود. جدایی، خط داستانی مشابهی دارد. پورمحمدی به نیویورکر گفت: «من انتظار داشتم یک استاد اگر ایده خوبی از دانشجویی بگیرد، از آن دانشجو نیز حمایت کرده و بکوشد به او کمک کند تا به این رشته راه یابد. به او اعتبار یا حتی اطلاع داده نشده بود که داستان مشابهی در فیلم ظاهر می‌شود.» او گفت: «این بسیار متناقض بود. من فرهادی و فیلم را دوست داشتم. هم افتخار بود و هم خیانت.»

مکث

نمایش «ماشین‌نشینان»

پس از ماجرای فیلم قهرمان، این گزارش به سوابق گذشته فرهادی رجوع کرده است. فرهادی که در رشته تئاتر در دانشگاه تهران تحصیل کرده سال ۱۳۷۳ در ۲۲ سالگی نمایشی به نام «ماشین‌نشینان» را برای جشنواره دانشجویی کارگردانی می‌کند. نمایشنامه را علی خودسیانی نوشته است. خودسیانی به نیویورکر گفته است: وقتی بولتن اجرا را دید که در آن نام فرهادی به عنوان نویسنده درج شده، ناراحت شد اما فرهادی به او گفته است: «لطفا فعلا حرف نزن، چون با پریسا نامزد کردم و قرار است با هم ازدواج کنیم. به پریسا گفته‌ام این نمایشنامه را خودم نوشته‌ام. اگر او بفهمد من در روزهای اول زندگی‌مان به او دروغ گفتم، ممکن است رابطه ما به هم بخورد.» چند ماه بعد فرهادی بار دیگر این نمایش را در یکی از تئاترهای تهران کارگردانی کرد. خودسیانی با دیدن پوستر ناراحت شد: این بار گرچه خودسیانی به عنوان نویسنده معرفی شد اما فرهادی که اصلاحاتی در نمایشنامه انجام داده بود به عنوان «بازنویسنده» معرفی شد. فرهادی گفت او هرگز ادعا نکرده که نویسنده است و افزود: «من نمی‌فهمم چرا این داستان جعلی را تعریف می‌کند.» یکی از دوستان هر دو نفر در آن زمان که شاهد دعوای آنها بود به نیویورکر گفت: «چیزی که آقای خودسیانی گفت، حقیقت است.»

قاب

تولد یک بازیگر بی‌حاشیه

محمد ابهری از بازیگران آرام و پرتلاشی است که سال‌ها تمام تلاشش را روی بازیگری متمرکز کرده و از او حواشی‌ای منتشر می‌شود. یکی از ویژگی‌های حرفه‌ای ابهری آن است که در مدت زمان بازیگری خود، هم در تلویزیون و هم در سینما بازی کرده است. از آثار مهم او در این سال‌ها، می‌توان به بازی در فیلم «دیوار» به کارگردانی محمدعلی طالبی و سریال «مدار صفر درجه» به کارگردانی حسن فتحی اشاره کرد. جام‌جم، تولد این بازیگر را تبریک می‌گوید.

نگاه

۳ کارگردان پشت دوربین می‌روند

با نزدیک شدن به چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر، پروانه ساخت سه فیلم «استیک»، «تمیزکاری» و «شماره ۱۰ گریخت» صادر شد و فرزاد موتمن، افشین صادقی و حمید زرگرنژاد با توجه به دریافت پروانه ساخت کار جدیدشان، به‌زودی پشت دوربین می‌روند. استیک، جدیدترین ساخته فرزاد موتمن است که امیرحسین دواتگر، فیلمنامه آن را نوشته و سیدیاسر جعفری نیز قرار است آن را به تولید برساند. آخرین ساخته موتمن به سال گذشته و فیلم شبگرد می‌رسد که هنوز روی پرده نرفته است. تمیزکاری را افشین صادقی با فیلمنامه‌ای از مصطفی رستگاری جلوی دوربین خواهد برد. آخرین ساخته سینمایی صادقی، فیلم زنبور کارگر است که سال ۹۸ جلوی دوربین رفته و هنوز فرصت اکران پیدا نکرده است. حمید زرگرنژاد هم، دو سال پس از تولید برای مرجان، شماره ۱۰ گریخت را جلوی دوربین می‌برد. تهیه‌کننده این فیلم سینمایی که پس از دریافت پروانه ساخت، کلید می‌خورد ابراهیم اصغری است. آخرین فعالیت اصغری در سینمای ایران، فیلم تک‌تیرانداز بود. روند درخواست برای پروانه ساخت با توجه به نزدیک شدن به پایان مهلت ثبت‌نام در بخش ملی جشنواره فجر که پایان آبان ماه بوده، شتاب بیشتری گرفته است./ ایرنا

چهره

حضور «آرام‌گاه» در ۲ جشنواره خارجی

فیلم کوتاه «آرام‌گاه» به کارگردانی علی دارایی به بخش رقابتی پانزدهمین جشنواره فیلم آسیایی آمریکایی فیلادلفیا (PAAFF) و هجدهمین دوره جشنواره فیلم ترنی ایتالیا راه یافت. جشنواره فیلم ترنی ایتالیایی توسط ایستس برگزار می‌شود، این رویداد برای هجدهمین دوره خود که از ۱۲ تا ۲۹ آبان ۱۴۰۱ برگزار می‌شود، مسابقه‌ای را برای فیلم‌های بلند، مستند، فیلم‌های کوتاه و تجربیات واقعیت مجازی با موضوع «همه ما» اعلام کرده است. در این دوره از جشنواره کاظم ملایی نیز در ترکیب هیات داوران است. او سال گذشته جایزه بهترین کارگردانی را برای «گورکن» دریافت کرده بود. در خلاصه داستان این فیلم کوتاه آمده است: «ریحانه باعث مرگ نوزادش شده است. اکنون در غیاب همسر فراری‌اش در جست‌وجوی راهی برای خاکسپاری نوزاد است و با مصائبی روبه‌رو می‌شود، ولی...». فاطمه صفت‌زاده، بهادر محمدنژاد، احمد شریفی، علی فرقدانی، سیدعلی یزدیان، مسعود مشعوف، مجید رنگی، حسن پوریا، صبا عزیزپور، گلناز زجاجی، محمد کریمی، محیا طیبی، ریحانه عباسی، آراد محمدی، سیدپارسا میر، هدیه احمدی و آیه بیگدلی بازیگران آرام‌گاه هستند.